

کتابان و وحی

♦ علی اصغر مقتدایی

کتاب معروف تورات، انجیل، زبور و قرآن^۱. در قرآن مجید، بعضی از بشارات ها آمده اند و خداوند در سوره ی صف، آیه ی ۶، پیغمبر خود، محمد بن عبدالله (ص) را مخاطب قرار داده است و می فرماید: «وَ اذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»: ای پیغمبر، یاد بیاور وقتی را که حضرت عیسی پسر مریم فرمود: ای بنی اسرائیل، بدانید من رسول الله و فرستاده ی خدایم بر شما، در حالی که تورات موسی را تصدیق می کنم و بشارت می دهم شما را که بعد از من پیغمبری می آید که نام او احمد است.

در میان کتاب های آسمانی که برای پیامبران الهی آمده اند، تنها کتابی که می توان گفت تحریف نشده، قرآن است؛ همان قرآنی که شب قدر بر قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل گردید: «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون»: ما قرآن را نازل کردیم و البته او را حفظ می نمایم. همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»: من دو امانت گرانبها را در میان شما به یادگار گذاشتم: کتاب خدا و اهل بیت را. و مکرر می فرمودند: ای مردم، من از پیش شما می روم و شما در حوض کوثر به من وارد می شوید، و من از شما سؤال خواهم کرد، چه کردید با این دو امانت بزرگ؟ به درستی که خداوند متعال مرا خیر داده است که این دو چیز از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. و در بعضی از نقل ها فرمودند: این دو چیز مثل این دو انگشت از یکدیگر جدا نمی شوند. پس سبقت مگیرید بر اهل بیت من و پراکنده مشوید از ایشان و تقصیر مکنید در حق ایشان که هلاک خواهید شد. و چیزی تعلیم ایشان مکنید، زیرا آنان از شما داناترند و چنین می یابم شما را که

از زمان آدم ابوالبشر (ع) تا زمان خاتم الانبیا، حضرت محمد بن عبدالله (ص) که دوران نزول وحی است، پروردگار عالمیان برای تکامل و سعادت انسان ها، کتاب هایی را بر انبیای الهی نازل کرده و پیامبران خویش را به تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم، و رساندن احکام و دستورات الهی به آنان، امر فرموده است تا انسان بتواند، سعادت و ترقی و تعالی خود را به دست آورد. مسلم است که همه ی انبیا صاحب کتاب نبوده اند و همه ی آنان دارای یک درجه و مقام نیستند. بلکه عده ای از آنان «اولو العزم» و جمعی «مرسل» هستند و تنها برای چند نفر کتاب فرستاده شده است.

● ● ● ● ● کتاب های آسمانی

کتاب هایی که بر پیامبران اولو العزم نازل شده اند عبارتند از: ۱. زبور داود، ۲. صحف ابراهیم، ۳. تورات موسی، ۴. انجیل عیسی ۵. قرآن محمد (صلی الله علیه و آله وسلم).

● ● ● ● ● پیامبران الهی

در «بحار الانوار» و «حیوة القلوب» آمده است: «امام صادق (ع) فرمودند، روزی ابوذر نزد حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و پرسید: خداوند چند پیغمبر فرستاده است؟ فرمود: یکصد و بیست و چهار هزار، و به روایتی سیصد و بیست و چهار هزار نفر که سیصد و سیزده نفر از آن ها مرسل هستند. پرسید: چند کتاب فرستاده است؟ فرمود: صد و بیست و چهار کتاب و به روایتی صد و چهار. و مطابق با روایت دوم چنین فرمودند: پنجاه صحیفه برای حضرت شیث، سی صحیفه برای حضرت ادریس، بیست صحیفه جهت حضرت ابراهیم، و چهار



بعد از من ، از دین

بر گردید و کافر شوید و شمشیرها

بر روی یکدیگر مکشید . و بدانید که علی بن ابی طالب ،
پسر عم من و وصی من است و قتال خواهد کرد بر تأویل
قرآن ، چنان که من قتال کردم بر تنزیل قرآن .

قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان که در مدت ۲۳ سال
بر حضرت محمد(ص) پیامبر گرامی اسلام نازل شد ،
دارای ۱۱۴ سوره در سی جزء است که هر سوره تعدادی
آیه دارد . آیات قرآن را از حیث مکان نزول ، مکی و مدنی
(منسوب به مکه و مدینه) می خوانند . اولین آیه ای که در
سن ۴۰ سالگی بر قلب مبارک پیامبر(ص) نازل گردید ،
آیه ی «اقراء باسم ربک الذی خلق» ، و آخرین آیه «الیوم
اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم
الاسلام دیناً» است .

پیامبر اکرم(ص) آنچه را که بر وی نازل می شد ، به
کاتبان خاص وحی که افرادی امین و قابل اعتماد بودند ،
عرضه می داشتند و آن ها بر قطعات سنگ ، چوب ، چرم و
یا استخوان شانه ی حیوانات می نوشتند .

●●●●●●●● کتاب وحی

از زمانی که قرآن کریم توسط جبرئیل امین بر قلب
مبارک خاتم النبیین ، حضرت محمد(ص) نازل گردید ،
عده ای مأمور نوشتن و ضبط آیات و سوره بودند که به «کتاب
وحی» مشهور شدند . آنان مراقب بودند که مبادا در این
امانت الهی که شامل مجموعه ی قوانین انسان سازی است ،
تصرف و تغییر داده شود . این موضوع در میان اهل سنت و

شیعه ی اثنی عشری از

اهمیت ویژه ای برخوردار است . نام کتاب وحی در
منابع گوناگون چنین آمده است :

۱ . مورخ و نویسنده ی بزرگ قرن چهارم هجری
قمری ، ابی الفرج محمد بن اسحاق الوراق البغدادی ،
معروف به «ابن الندیم» ، در کتاب خود می نویسد : «الجماع
للقران علی عهد النبی صلی الله علیه و اله ، علی بن
ابی طالب(ع) ، سعد بن عبید ، ابوالدرداء ، معاذ بن جبل ،
ابوزید ثابت بن النعمان ، ابی بن کعب ، عبید بن معاویه و
زید بن ثابت بن الضحاک»^۱ : در میان یاران پیغمبر(ص) ،
افرادی بودند که علی بن ابی طالب(ع) ، سعد بن عبید ،
ابوالدرداء ، معاذ بن جبل ، ابوزید ثابت بن نعمان ، قرآن کریم
را گردآوری می کردند ، از آن جمله اند : ابی بن کعب ،
عبید بن معاویه و زید بن ثابت بن ضحاک . ابن الندیم همچنین
گفته است ، اولین کسی که در صدر اسلام قرآن نوشت و به
خوش خطی معروف گشت ، خالد بن ابی الهیاج بود .

۲ . سیوطی ، نویسنده ی قرن نهم و دهم هجری قمری
که در علوم تفسیر ، حدیث ، فقه و لغت تبحر داشت ، در
«اتقان» می نویسد : «حج القرآن علی عهد رسول الله خمسة
من الانصار معاذ بن جبل ، عبادة بن صامت ، ابی بن کعب ،
ابی الدرداء و ابی ایوب الانصاری»^۲ : در زمان رسول الله ،
پنج نفر از انصار بودند که قرآن را جمع آوری کردند :
معاذ بن جبل ، عبادة بن صامت ، ابی بن کعب ، ابوالدرداء و
ابو ایوب انصاری .

۳ . همچنین ، سیوطی از قول «صحیح» بخاری نقل

می کند که چهار نفر قرآن را جمع آوری کردند: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابوزید ثابت بن نعمان.^۴ صاحب «الجواب المنیف» در کتاب خود چنین می گوید: «زید بن ثابت و ابی بن کعب قرآن را از زبان پیغمبر گرفتند و چند نوبت برای آن حضرت قرائت کردند.»^۵

۵. ابوالعباس احمد بن یحیی بن جابر بلاذری نیز گوید: «چون پرتو شعاع آفتاب اسلام از افق مشرق دین مبین اسلام دمید، ۱۷ نفر دانای رسم الخط و کتابت در طایفه ی قریش بودند و اسامی ایشان [عبارت بود از]: عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابو عبیده بن الجراح، طلحه، زید بن ابی سفیان، ابو حذیفه بن عتبه بن ربیع، حاطب بن عمرو، ابوسلمه بن عبدالاسد المخزومی، ابان بن سعید بن العاصی بن امیه، خالد بن سعید، عبدالله بن سعد بن ابی سرح العامری، حریط بن عبدالعزی العامری، ابوسفیان بن حرب بن امیه، معاویه بن ابی سفیان، جهیم بن الصلت بن مخزومه، علاء بن الحضرمی.»^۶

۶. مصطفی عالی افندی، در کتاب خود به نقل از مولی قره یعقوب بن ادیس قرامانی، صاحب کتاب تاریخی «اشراق التواریخ»، آورده است: «مخفی نماند که در دیوان هویت نظام حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - افرادی که مأمور کتابت وحی الهی بودند، بنابر کتب احادیث و تواریخ، بیست و هفت نفر بودند. علی بن ابی طالب، ابوبکر، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، لیث المحارب، اسدالله الغالب، زبیر بن عوام، عامر بن فھر، خالد، ابان، سعید از اولاد عاص، عبدالله ارقم، حنظله بن ربیع، ابی بن کعب، ثابت بن قیس بن شماس، شرحبیل بن حسنه، مغیره بن شعبه، عبدالله بن زید، جهیم بن صلت، خالد بن ولید، علاء بن حضرمی، عمرو بن عاص، عبدالله بن رواحه، محمد بن مسلمه، عبدالله بن ابی، ابن مسعود، معیقیب بن ابی فاطمه، زید بن ثابت و معاویه بن ابی سفیان.» عالی افندی همچنین می گوید: «بیش از همه ی آنان، حضرت علی (علیه السلام)، در حُسن خط کوششی داشت و در قلم کوفی به رتبه ی اعجاز رسیده بود، در سایر علوم و کمالات و فضایل لدنیّه ی معالی درجات نیز سرآمد اولیا و سرفراز ائمه ی هدی بود. علو شأن ایشان در کتابت خط کوفی از نور دیده ی ایشان، امام حسن مجتبی (علیه السلام)، و سلطان شهدای سُعداء، امام حسین

کربلا، به درجات فراتر بود.»^۷

در تواریخ آمده است که قرآن در سه نوبت جمع آوری شد: نوبت اول، زمان حضرت محمد (ص)؛ به دلیل گفته ی زید بن ثابت: «قال کنا عند رسول الله (ص) تألف القرآن من الرقاع.» نوبت دوم در زمان ابی بکر براساس روایتی که از صحیح بخاری که از زید بن ثابت نقل می کند: وقتی که در جنگ یمامه، ۷۰ نفر از قراء کشته شدند (به روایتی ۷۰۰ نفر)، خلیفه ی اول، ابوبکر مرا خواست و گفت عمر می گوید، همین طوری که در یمامه ۷۰ نفر از قراء کشته شدند، من می ترسم که جای دیگر هم چنین اتفاقی بیفتد و اساس قرآن از بین برود. پس باید در جمع آوری آن کوشا باشیم و آن را حفظ کنیم.

نوبت سوم، زمان خلافت عثمان بن عفان، عثمان گفت، هر که قرآن را از حفظ دارد، یا جزوه هایی دارد که اگر فراموشی پیش آید و کلمه ای یا آیه ای را اشتباه بخواند به آن مراجعه کند (گویا جزوه ها مدرکی است برای آن ها)، همه ی آن جزوه ها را جمع آوری کنند (حتی آن قرآنی که نزد حفصه، دختر عمر بود). از آن جزوه ها، قرآن را به یک صورت در آوردند که به قرائت قریش بود، بدون این که کم و زیاد در آن بشود. سپس عثمان دستور داد، تمام آن نسخه های متعدد از بین بروند و از آن مجموعه ای که به قرائت قریش و یک سبک خاصی بود، جمع آوری شد که هیچ اختلاف قرائت و غیر قرائت در آن نشود. عثمان همچنین دستور داد، طبق آن، نسخه های متعددی بنویسند و به اطراف و اکناف بفرستند.

حارث محاسنی، یکی از دانشمندان اهل سنت، در کتاب خود «فهم السنن» می نویسد: «مشهور است که عثمان قرآن را جمع آوری کرد، حال آن که این طور نبوده است. بلکه در زمان حضرت رسول (ص)، قرآن جمع آوری شده و در زمان ابی بکر تجدید نسخه و تکثیر شد، و در زمان عثمان جمع آوری آن جهت رفع اختلاف در قرائت، بود.»

قرآنی که حضرت علی (ع) جمع آوری کرد

حضرت علی (ع) از کتاب وحی و از کسانی بود که قرآن را جمع آوری کردند. او هر چه از زبان مبارک حضرت محمد (ص) گفته می شد، می نوشت و بعد از وفات

حضرت خاتم الانبیاء که مردم به سراغ حساب های شخصی به اسم غم امت، در سقیفه بنی ساعده رفته یا در مسجد جمع می شدند، حضرت مشغول جمع آوری قرآن بود و قسم یاد کرده بود که عبا به دوش نگیرد، مگر برای نماز تا قرآن را جمع آوری نماید.

در جلد ۱۹ «بحار الانوار»، روایتی از سلمان فارسی از علی بن ابی طالب نقل شده است که آن حضرت، چون از مکر و حيله و نیرنگ های آنان آگاه شد، چنین صلاح دید که منزل بنشیند و مشغول جمع آوری قرآن شود. و قسم یاد کرد که عبا به دوش نگیرم، مگر برای نماز تا موقعی که به سراغ ایشان فرستادند که بیاید و با ابوبکر بیعت کند. همین کلام (قسم خوردن و عبا بر دوش نگرفتن) را اظهار کردند. پس از جمع آوری، قرآن را در مقابل مسلمانان با صدای بلند خواندند و فرمودند: ای مسلمانان! من از هنگام رحلت رسول خدا(ص) مشغول جمع آوری قرآن بودم و این است قرآنی که حضرت رسول خدا(ص) خواندند و من از اول تا آخر را جمع آوری کردم و تمام تأویل و معنای آن را آن حضرت به من آموخت. ای مردم، به شما اعلام کردم و زحمات خویش را به شما گفتم و آنچه مربوط به جمع قرآن بود اظهار داشتم و حجت را بر شما تمام کردم. بنابراین جای این نیست که در روز قیامت بگویند، از این امر غافل بودیم: «ولا تقولوا غداً انا کنا عن هذا غافلین.» وقتی کلام به این جا رسید، عمر رو به علی(ع) کرد و گفت: ما را به قرآن تو احتیاج نیست.

در کتاب «تاریخ خط و خوش نویسی» آمده است: به یقین، توجه و عنایت، و ترغیب و تشویق، و تأکیدی که پیامبر اکرم(ص) بر یادگیری خط داشتند، نقش به سزایی در ترویج این هنر اسلامی داشته است. پس از ظهور اسلام، پنج تن پیش تر از دیگران در نوشتن خط کوفی و کتابت قرآن اشتهار داشتند: علی بن ابی طالب(ع)، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، ابی بن کعب و زید بن ثابت. از میان آن ها، حضرت علی(ع) که در استادی ایشان شبهه ای نیست، در آموزش خط کوفی اهتمام داشتند و تا سال ۳۱۶ هجری قمری، دست خط شریفشان نمونه و سرمشق کاتبان جهان بود. حسن خط کتابت فرزندان ارجمندش، حضرات امام حسن و امام حسین(علیهم السلام) نیز شایسته بیان است. از شاگردان مهم

حضرت علی(ع) می توان ابن عباس، خالد بن ابی الیهیاج و عبیدالله بن رافع را نام برد.

قرآن های زیادی به خط ائمه ی اطهار، حضرات امام علی، امام حسن، امام حسین، امام صادق و امام رضا(علیهم السلام)، و دیگر خوش نویسان بزرگ از قرن چهارم هجری قمری، از جمله ابن مقله، ابن بواب، یاقوت مستعصمی، عبدالله صیرفی، بایسنقر میرزا، ابراهیم سلطان بن شاهرخ، میرزا احمد نیریزی، زین العابدین شریف شیرازی، زین العابدین قزوینی، ملاشفیع ارسنجانی، علی عسکر ارسنجانی، آقامحمد طغرابی، عبدالقادر حسینی شیرازی، محمد خلیلی نیریزی، محمدشفیع تبریزی، محمدابراهیم قمی، عبدالوهاب شیرازی، محمدعلی اردستانی حسینی، سیدمحمد طباطبایی، محمدصادق بن محمداسماعیل شیرازی، حاج میرزا طاهر خوش نویس، و صدها کاتب دیگر به خط کوفی، نسخ، ثلث، ریحان، محقق و نستعلیق کتابت گردیده اند که در موزه های بزرگ ایران و جهان نگهداری می شوند.^۸

زیرنویس

۱. حیوة القلوب، ج ۱، ص ۴؛ بحار الانور، ج ۵، باب بعثت انبیاء، ص ۱۰.
۲. الفهرست، ص ۴۱ (چاپ قاهره).
۳. اتقان، ص ۷۴ (چاپ قاهره).
۴. همان، ص ۷۲.
۵. الجواب المنیف، ص ۱۱۷.
۶. فتوح البلدان، ص ۴۷۱.
۷. مناقب هنوران، ص ۲۹.
۸. علی اصغر مقتدایی، تاریخ خط و خوش نویسی، صفحات متعدد کتاب.